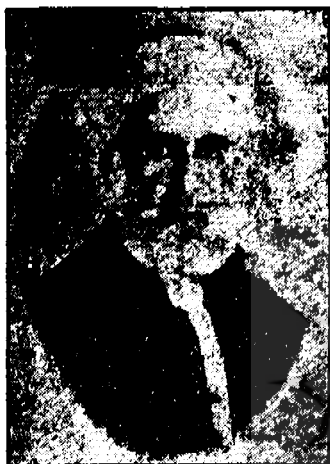


يك پرده از زندگانی سیاسی شهریاران شرق

داستان غم انگیز سلطنت مرحوم شریف حسین در حجاز

- ۱ -

دیروز چنان بدی که کس چون تو نبود
امروز چنان شدی که کس چون تو میباد



مرحوم ملک حسین بن علی

در تاریخ زندگانی سیاسی پادشاهان معاصر شرق شاید هیچ شهریاری باندازه مرحوم شریف حسین پادشاه سابق حجاز دچار ظلم و محنت نگردیده و ایام عمر پر حادثه خویش را در ناگهی و تألمات روحی پایان نرسانیده است و شاید هیچ زمامدار دیگری باندازه او فریب نخورده و از طرف دولت متعاهد بزرگی نظیر انگلستان اینهمه عهد شکنی و بیمان گسلی ندیده باشد.

مرحوم شریف حسین پدر مرحوم فیصل اول و عبداللہ پادشاه کنونی شرق اردن و مرحوم ملک علی و امیر زید از یک خاندان بسیار اصیل است که منسبش بخط مستقیم به پیشوای بزرگ اسلام حضرت رسول اکرم (ص) میرسد. او نخستین کسی بود که با کمک یلوران و فرزندان شالوده اتحاد اعراب را

طرح ویزی نمود و در راه تشکیل یک حکومت بزرگ و مستقل عربی خون دلها خورد و فداکاری های عجیب بخرج داد ولی با وجود تحمل اینهمه رنجها و سختیها تاریخ درباره اش جفا کرده و برخلاف حق و عدالت نسبت بوی قضاوت نموده است. اگر از خود گذشتگی این قهرمان آزادی و همکاری فرزندان او و سایر آزاد بخوانان عرب در کار نبی بود بطور قطع اعراب باین زودی ها نمی توانستند خودشانرا از جنگال عثمانیان نجات داده حتی همین آزادی و استقلال صوری را هم پس از چهار صد سال اسارت بدست آورند. . . . ولی افسوس!

بکام دل همه بر میخورند از نخلی که ما بخون جگر کرده ایم تربیتش

هنوز هم بسیاری از مردم بموجبات و عوامل حقیقی شورش عربستان پی نبرده اند و مرحوم شریف حسین را وسیله پیشرفت نفوذ سیاست استعماری انگلیس در عربستان میدانند زهی تصور باطل زهی خیال محال!.. آنها از درجه ستم و بیدادگری افراد لشکری و کشوری عثمانی، شکنجه و آزار اقلیتهای مذهبی، گرفتن مالیاتهای کمر شکن، اعدام آزاد بخوانان عرب و با تدریس اجباری زبان ترکی بجای عربی در آموزشگاههای عربستان اطلاع صحیحی

نداشته و از این جهت در طرز قضاوت خود دچار اشتباه شده و دیگران را با اشتباه انداخته اند و اگر نه چطور ممکن است کالفل لورنس انگلیسی معروف که خود عامل مؤثری در دامن زدن آتش انقلاب عربستان بوده و کسی که بزرگترین جاسوس انگلستان در جنگ بین الملل اول شناخته شده است در کتاب خودش : (۱) **Revolt in the desert** راجع بشریف اینطور اظهار عقیده نماید .



و ارستگی و روحانیت حقیقی ملک حسین از گفته هایش بخوبی آشکار و اطلاعات او راجع بامور مذهبی بسیار وسیع است بعد در خصوص فیصل مینویسد : وی برای تأمین سعادت ملت عرب خودش را از هر نعمتی محروم میداشت و عقیده اش این بود که اعراب بدون تحصیل استقلال حقیقی هرگز روی

مرحوم ملک فیصل اول
پادشاه عراق

راحتی و نیک بختی را نخواهند دید ... پیوسته قسم خود را تشویق میکرد که امور را از در بچه چشم ننگرند بلکه بوسیله عقل و منطق فکرو هدف خودشان را یکی ساخته بکمک هم برخیزند و برای رسیدن بکمال مطلوب که گرفتن آزادی است باهم زندگی کنند و باهم جان بسپارند ... بلی !

شهد الانام بفضله حتی المدی

والفضل ماشهدت به الاعداء

مسر دآنست که دشمن بستاید هنرش

و رنه جز مدح و ستایش نشنیدیم زدوست

اینک بامراجعه بآخذ صحیح تاریخی و اسناد

سیاسی سرگذشت این پادشاه تیره بخت را که سرانجام

قربانی مطامع استعماری گردید از این شماره بنظر

خوانندگان محترم رسانیده و امید است مطالعه آن

درس عبرتی برای دیگران گردد



مرحوم ملک علی پسر ملک حسین بن علی

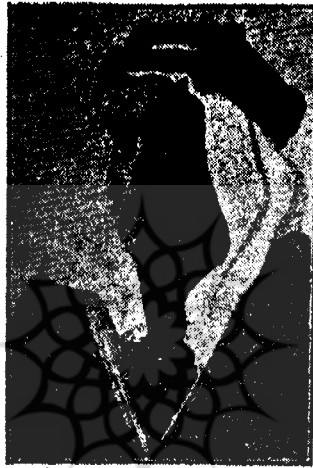
(۱) این کتاب از طرف نگارنده مقاله ترجمه شده و در سال ۱۳۲۴ بنام بلوای عربستان

آغاز سلطنت هاشمی در حجاز

کشور حجاز تا ماه ژوئن ۱۹۱۶ که شورش عربستان اعلام گشت قسمتی از خاک امپراطوری بزرگ عثمانی بود وزیر نفوذ و حکمفرمایی آن دولت اداره می شد و تمام احکام و فرمان ها نیز بنام پادشاهان عثمانی صادر می گشت ... پس از آنکه شریف مکه به مخالفت برخاست بفکر افتاد حکومت جدیدی تشکیل دهد تا در سرپرستی و اداره کردن کارهای کشوری جانشین دولت قدیم گردد .

با آنکه در آن تاریخ زمام امور سراسر عربستان باستانی شهر مدینه در دست شریف بود ولی چندان میل نداشت که در تشکیل حکومت نوین تندروی نماید بلکه نامه ها و فرمانها

بودند از کاخ سلطنتی حرکت کرده بمدرسه مخصوص خود چسبیده بدیوار کعبه وارد گشت و همینکه در جای خود نشست شیخ عبدالله سراج مفتی مذهب حنفی بیعت نامه را بدست شیخ عبدالله خطیب داد تا آنرا با صدای بلند برای حاضرین بخواند و سپس شیخ سراج از جا برخاسته بوی دست بیعت داد و شریف را پادشاه عربستان نامید چنانکه حاضرین نیز از او پیروی نمودند ،



را بنام شریف یا امیر مکه امضاء میکرد و تا پایان موسم حج همان سال با اطمینان از موفقیت خود در نهضت ملی با دولتهای بیگانه نیز بهمین اسم و رسم مکاتبه میکرد ... روز پنجشنبه ۶ محرم سال ۱۳۳۵ (۳۰ دسامبر ۱۹۱۶) مراسم بیعت پادشاه جدید بعمل آمد باین ترتیب که مرحوم شریف در حالیکه نزدیکیان و بستگان ، بزرگان و پیشوایان مذهب اطرافش را گرفته

ملك عبدالله پادشاه کنونی شرق اردن

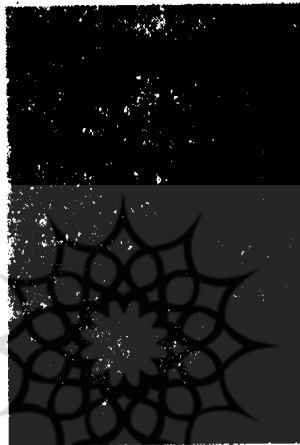
روز دیگر فرمان تشکیل نخستین دولت عربی بنام شیخ سراج و همچنین تشکیل يك مجلس شورای عالی یا پارلمان از طرف پادشاه جدید صادر گشت . در همان روز نیز امیر عبدالله متصدی امور خارجه اعلامیه زیر را برای وزرای خارجه دولتهای متفق و بیطرف بزرگان فرانسه فرستاد .

بامسرت و شادمانی مخصوص با آنجناب اطلاع میدهم در جلسه ای که اعیان و بزرگان علماء و نمایندگان تمام طبقات ملت در آن حضور یافتند همگی دست بیعت داده و اعلیحضرت شریف اعظم حسین بن علی را پادشاه ملت عرب نامیدند ... در اثر شایستگی و برازندگی و مبین پرستی واقعی و آرزوی قلبی که پادشاه جدید برای گستردن پرچم دانش و عدالت در سراسر عربستان دارد ، سرزمینی که در چنگال دسته دزدان و غارتگران ، دشمنان دین و ایمان یعنی حزب اتحاد و ترقی عثمانی گرفتار بود و از هر گونه پیشرفت مادی و معنوی بی نصیب ماند و آثار شوم عملیات آنها در میان گروه بسیاری از مسلمانان و مسیحیها که جز وطن پرستی گناه دیگری مرا بک نگریده اند ، بخوبی آشکار می باشد ... بنابراین امروز ملت عرب او را بزرگترین

پادشاهان خود شناخته و از آنجناب انتظار دلرد که این ملت را عضو مفید و مؤثری در جامعه بشری بشمارد آرید .. با احترامات . <

نخست دولتهای انگلستان و فرانسه نسبت بلقب پادشاه جدید اعتراض نمودند ولی پس از مبادله نامه های پسر پادشاهی شریف را فقط در حجاز بر سریت شناختند و روسیه نیز باستقلال دولت جدید عربی در حجاز اعتراف نمود و حکومت جدید از این قرار تشکیل یافت : خود شریف پادشاه حجاز، پسر ارشدش امیر علی رئیس هیئت دولت ، دوفرزند دیگرش عبدالله و فیصل همده دلاور و خارجه و داخله کشور گردیدند ولی امیر علی بسر کردگی شورشیان در جبهه جنوب می جنگید و پس از سقوط مدینه در سال ۱۹۱۹ باست فرمانداری واره آن شهر گردید .. فیصل نیز

که بدست مرحوم شریف تشکیل یافت با تمام تشریفات و مظاهر خارجی آن جز یک حکومت فردی و تمرکز اختیارات در شخص شریف چیز دیگری نبود و همین روح خود پسندی و استبداد در عمل و بی اعتنائی با اصلاحات بود که دیگران از وضع آشفته و درهم حجاز استفاده کرده و دولت هاشمی نتوانست بیش از نه سال بزمامداری خود ادامه دهد



امیر زید - فرزند ملک حجاز - سفیر دولت عراق در ترکیه

پس از بیرون آمدن از حجاز در سال ۱۹۱۵ و حضور در حیدرآباد جنگ فقط در سال ۱۹۲۱ یعنی هنگام حرکت خود به عراق برای چند روزی در حجاز بسر برد .. امیر عبدالله نیز پس از سفر بشام در سال ۱۹۲۰ از کار خود کناره گیری کرد و در این مدت چندین بار برای دیدار نزدیکان و دوستان خود به حجاز آمد و شد میکرد . بنا بر این حکومتی

آقای وزیر الحسن عابدی
دانشجوی افغانی در دانشگاه طهران

شش همسفر (۱)

جان و خرد و دانش و عشق و من و دل
آهنگ نمودیم سوی یک منزل
دل در بی عشق رفت و جان از پی او
دانش بی جان شد و خرد بسا در گل

۱ - باقنای دورباهی «چهار همسفر» و «پنج همسفر» ، که در شماره پنجم صفحه ۲۲۰ درج شده است .